



**اولین خطبه ششمین نماز جمعه و آخرین نماز جمعه پدر
طالقانی در بهشت زهرا**

(۱۵ شوال ۱۳۹۹ - ۱۶ شهریور ۱۳۵۸)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درود بر همه شما و درود بر شهدای ما و درود بر ملت قهرمان
مسلمان ما و درود بر رهبر عالیقدر ما، همانطوری که دین ما، قرآن ما،
خدای ما از شهدا تعظیم و تجلیل فرموده است، شما برادران و خواهران
که در مزار شهدای اسلام، در زیر این آفتاب سوزان جمع شده‌اید برای

تعظیم و احترام و مغفرت بیشتر نسبت به شهدای عزیزما، همه از جا برخیزید و سوره فاتحه را قرائت کنید: (سوره فاتحه در سکوت قرائت شد).

اللهم اغفرهم، اللهم عظم اجورهم و احشرهم مع اوليائك و شهدائك الاولين والعن علي قاتليهم اجمعين.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، الحمد لله المذل المعز، الذي يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي و يعز من يشاء و يذل من يشاء بيده الخير و هو على كل شيء قدير، اللهم صل وسلم على عبدك و امينك البشير النذير السراج المنير، محمد بن عبدالله و على آله الطيبين الطاهرين الائمة المعصومين الهداة المهديين و على اصحابه المنتجبين و على جميع الانبياء والمرسلين والشهداء والصديقين والصالحين.
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم: ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله امواتا بل احياء ولكن لا تشعرون.

در منطق انبياء در منطق قرآن مساله مرگت بخصوص برای انسانهای مجاهد و پیشرو و شهداء حل شده است. در این آیه، قرآن با صراحت و قاطعیت می گوید: درباره کسانی که در راه خدا کشته شده اند کلمه مرگت را بردارید، نگوئید، نگوئید اینها مرده هستند، بلکه اینها زنده هستند و لکن بیشتر مردم و شما چنین استفساری ندارید. این راهیست که انبیاء باز کردند و دیوار بین این زندگی و زندگی آخرت و زندگی برتر را برداشتند.

و این راز را برای انسانها گشودند که مرگت نیست، تحولی است از زندگی به زندگی دیگر، از رحم طبیعت به فضای بزرگ و وسیع و عالی الهی، بخصوص مرگی که فی سبیل الله باشد، راه خدا، جهاد فی سبیل الله، قتال فی سبیل الله، هجرت فی سبیل الله، سختیها و شکنجه های فی سبیل الله، این راه خداست، این راه خداست که راه نجات خلقهاست، راه آزادی انسانهاست، راه خدا، نه بطرف آسمانها است و نه شرق و نه غرب و نه جنوب و نه شمال، راه خدا همین است. در همه آیاتی که درباره جهاد، قتال، هجرت، حرکت، مبارزه آمده قید فی سبیل الله هست اولاً برای اینکه جهادها و کوششها از جهت خودخواهی، سلطه جوئی، تحمیل، به بند کشیدن، غنیمت ربودن نباشد، فقط برای نجات انسانها، برای

نجات همه مردم، برای گشودن بندها، برای آزاد کردن انسانها، برای برداشتن سدها، سدهائی که مردم را از هم جدا کرده و راه خدا را، راه تعالی را، بسته است، همین راه تعالی خود انسان است. در دیگر عبادات شخصی قید فی سبیل الله نیست، رابطه ایست بین انسان و خدای خود ولی در اینگونه عبادات: جهاد، کوشش، به میدان جنگ رفتن، با دشمن مقابله کردن، هجرت کردن، همه فی سبیل الله، که ملاحظه می کنید سبیل خدا همین راه نجات مردم است، هم مردم را نجات دادن، هم خود انسان از شهوات و غرائز و سقوط در زندگی کثیف دنیوی نجات پیدا کردن، و الا انسان گوشه ای بنشیند و در افکار و اندیشه و خیالات خود فرو برود و تنها تسبیح و تهنیت بگوید این از نظر اسلام منشأ تقرب به خدا نیست، چه بسا کسی که در گوشه ای نشسته و به زبان سبحان الله می گوید و در درون و اندیشه هایش آلودگی و نقشه های شیطانی است چه بسا انسانی که با تسبیح الله اکبر می گوید ولی مال و ثروت و قدرت طلبی و شهوات را بزرگتر از هر چیز می داند، چه بسا انسانی که به زبان در گوشه خانقاهی، مسجدی، لاله الا الله می گوید و در اندیشه اش صدها بت برای خود می تراشد، چه بسا انسانی که به تنهایی الحمد لله می گوید ولی در درون آلوده به هرگونه ردائل خلقی و اندیشه های پست است. آنچه که راه خداست و انسان را از زمین می کند و به آسمان می پیوندد و در ردیف ملائکه قرار می دهد جهاد فی سبیل الله است. سبیل مردم، سبیل خدا، یک راهست، سبیل مردم، سبیل خداست، هجرت فی سبیل الله، رنج کشیدن فی سبیل الله، انفاق فی سبیل الله، در مقابل سبیل شیطان، سبیل طاغوت، سبیل غی، در مقابلش سبیل رشد و سبیل رشاد. راه رشد انسانها همین است، در این آیه به صراحت می گوید: این کلمه مرگ را از زبان بیندازید، درباره کسانی که فی سبیل الله کشته می شوند.

و این عالیتترین تعالیم انبیا است که کلمه مرگ برداشته بشود. وقتی کلمه مرگ درباره شهدا برداشته شد، چنان نیروئی برای اجتماع و افراد پیش می آید که هیچ قدرتی توان مقاومت ندارد. بزرگان محققین و فلاسفه برای تشکیل مدینه فاضله و برای مردمی که در راه تحقق چنین اجتماع بزرگ و عظیم و انسانی هستند، می گویند باید کلمه مرگ از چنین اجتماعی حذف بشود، همانطوری که از زبان باید حذف بشود از اندیشه هم باید رانده شود. **ولاتحسبن الذین قتلوا فی**

سبیل الله امواتاً بل احياء ولكن عند ربهم يسرزقون فرحين بما آتاهم
 الله من فضله و يستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم الا خوف علیهم ولا هم
 یجزنون. در آن آیه می‌گوید نگوئید، در این آیه می‌گوید از اندیشه
 بیرون برآیند، این جور حساب نکنید که کسانی که در راه خدا کشته
 شده‌اند مرده‌اند، اینها زنده‌اند، بسط پیدا می‌کنند، دارای فرح می-
 شوند، انبساط وجودی پیدا می‌کنند و دائماً پرتوافکن بردیگران هستند.
فرحین بما آتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم الا خوف
علیهم ولا هم یجزنون، این انسانی که در این محدوده مادی گرفتار است
 و دائماً نگران است، یا نسبت به گذشته محزون است، آنچه که از دست
 داده، غنائمی که به دست نیاورده، شهواتی که به آنها نرسیده، لذاتی که
 از او فوت شده، ثروت‌هایی که از دست داده، این حزن است نسبت به
 گذشته. خوف نسبت به آینده، که چه خواهد شد؟ زندگی من،، بقای من،
 حیات من، حیات خانواده من، این انسان‌بست که مثل حبایی در روی موج
 خوف و حزن گرفتار است. و همه بشر گرفتارند. قرآن می‌گوید: اینها
 می‌خواهند بشارت بدهند، رو نشان بدهند، سعی می‌کنند به‌هرزبانی به
 بازماندگان در دنیا بفهمانند که لاخوف علیهم، از این در بند رهائی
 پیدا کرده‌اند، نه خوف دارند و نه حزن، اینها نزد پروردگار مرتزق
 هستند، شهدا چنین‌اند، شهدا دائماً **الهامبخشند**، شهدا در قلوب همه
 مردم زنده هستند، شهدا در نزد خدا پایدار و زنده هستند، این تحول
 و این انقلاب شهادت، که یک انسان آلوده و ساقط را یک مرتبه بالا
 می‌برد این خاصیت شهادت است، همان جوان، زن، مرد که دائماً در
 اندیشه تأمین لذات و شهوات مادیست، یک مرتبه از جا کنده می‌شود
 وقتی که به میدان شهادت آمد، و قتیکه دیدش وسیع شد، این انسان
 چنان اوج می‌گیرد که همه غرائز را به‌جا می‌گذارد، یکی انسان ساقط
 شهوانی و گرفتار غرائز می‌شود، یکی انسان عالیقدری که پروبال می-
 گشاید و به‌طرف خدا حرکت می‌کند و مردمی را دنبال خود می‌کشد. این
 خاصیت شهید است، هر ملتی اگر سست شد، اگر تن به‌ذلت می‌خواهد
 بدهد، اگر تن به‌تحملیات و بندها می‌خواهد بدهد، شهدا در وجدانهای
 یک‌یک این مردم چهره نشان می‌دهند و نجات می‌دهند، از جا برمی-
 انگیزند، شهدای هفده شهریور ما چنین بودند. رژیم و پشتیبانان آن
 و عوامل خارجی آن گمان می‌کرد، بعد از مدت‌هایی که فرهنگش را
 تحمیل کرده، اقتصادش را تحمیل کرده، جوانهای ما را ساقط کرده به

شهوترانی و لذات و بی بندگی و بی حسابی و بی قیدی کشانده، خیال می کرد این ملت ساقط شد، تمام شد کارش، ولی هفده شهریور نشان داد که این ملت از جا بلند شد با همه عوامل سقوط، با همه بندها، با همه قیدهای اخلاقی و فرهنگی، و اقتصادی تحمیل شده، بندها را باز کرد و در مقابل گلوله ها و در مقابل تانک ها با مشت گره کرده و فریاد الله اکبر دنیا را تکان داد، فهماندند ما زنده ایم. ما به خودمان متکی هستیم، دنبال رهبری قاطع خودمان هستیم و دنبال انبیاء و اولیاء و شهدای گذشته، از میدان کربلا گرفته تا این مسیر تاریخ، ما دنبال آنها حرکت می کنیم، این عظمتی بود که در چنین روزی مسلمان ایرانی، جوان ما، زن ما، مرد ما، دختر ما، پسر ما نشان دادند، این وثیقه ای بود که برای ما گذاشتند، امروز ما بالای تربت آنها هستیم، در مزار آنها هستیم، ولی این آمدن غیر از زیارتها و فاتحه خوانیهای سنتی و معمول است، این آمدن برای اینست که تجدید عهد کنیم، ای بچه هائی که در این خاک خفته اید، ای جوانهائی که با گلوله دشمن تنهای شما و قلبهای شما دریده شد، ای زنهای بزرگواری که به میدان ریختید بچه ها را به بغل گرفتید و در مقابل گلوله ها شتافتید، ما آمدیم بعد از یکسال با شما تجدید میثاق کنیم، خون شما میثاق ما است. فریاد الله اکبر شما میثاق ما است، آن هدفی که شما دنبال کردید، در مقابل طاغوت و برای آزادی انسانهای ایران و مسلمان و همه انسانهای دنیا ما با شما تجدید پیوند و تجدید عهد می کنیم، که ما همان را تعقیب خواهیم کرد و ما در زیر آفتاب سوزان و در میان این جمعیت و کنار مزار شما آمدیم تجدید پیمان کنیم. تجدید پیمان در مقابل هرگونه استبداد به هر شکل، تجدید پیمان در مقابل هرگونه استثمار و استبداد، تجدید پیمان برای آزادی همه بشر و همه مردم، تجدید پیمان برای پیاده کردن احکام عالیة اسلام و قرآن که مدتها زیر خاکها مانده بود و فقط برای قرائت بود، تجدید پیمان برای زنده کردن قرآن، زنده کردن احکام اسلام، زنده کردن قوانینی که بشر را باید زنده کند، برای این جمع شدیم با شما پیمان می بندیم. در آن روزی که شما آماده شدید که سینه سپر کنید و خودتان را مقابل گلوله قرار بدهید بزرگترین و عظیم ترین کار تاریخ را کردید، رژیم را با آنهمه قدرت، با آنهمه پشتیبانی، با آنهمه سلاحها، از پا درآوردید، درود خدا و درود همه ما بر شما باد.

اتقوا یوم تحشرون فیہ الی اللہ و توفی کل نفس ما کسبت و ہم لایظلمون

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا جاء نصر الله والفتح و رأيت الناس يدخلون في دين الله افواجا
فسبح يحمد ربك و استغفره انه كان توابا. غفر الله لنا ولكم و لجميع
المؤمنين و احشرنا مع اوليائك، و احشرنا مع الشهداء و الصديقين
والصالحين.

والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته.